

سید محمد دبیر سیاقی

امثال و حکم دهخدا

من این مثل که بگفتم ترا نکو مثلست
مثل بسنده بود هوشیار مردان را
ناصر خسرو

شاید بیشتر خوانندگان گرامی آگاه باشند که از جمله کارهای باارج استاد علامه علی اکبر دهخدا کتاب امثال و حکم اوست که در چهارمجلد بزرگ به قطع رحلی مشتمل بر ۲۰۷۶ صفحه متن و ۱۸۰ صفحه فهرس و به تقریب سی هزار عنوان مثلی و حکمی و زبانه‌زدی و اصطلاحی و کنایه‌ای و نزدیک ده هزار مثل یا حکمت و کنایه و اصطلاح که به عنوان نظیر و مرادف آمده و عنوان نیافته است و سرانجام با حدود دوازده هزار مورد استادی به شعر شاعران یا نوشته نویسندگان معتبر، در فاصله سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ هجری شمسی در طهران چاپ شده است و چندبار نیز به طریقه افست تجدید طبع گردیده و در دسترس اهل ادب واقع شده است. اما آن کتاب مقدمه‌ای ندارد تا گویای کیفیت کار مؤلف آن باشد و محتوای کتاب را بشناساند و تنها گه‌گاه یاران و همکاران آن مرحوم به تقریب از آن کتاب و مطالب آن سخن گفته‌اند. لذا نگارنده در این مقاله کوشش خواهد داشت که مطالب بیشتری که در این باره به دست کرده است عرضه دارد و امید که به چیزی شمرده آید.

نخستین گام در تهیه مواد کتاب - مرحوم دهخدا نقل کرده است که در کودکی شبی برهام خانه خوابیده بوده است و درباره یکی از امثال متداول میان فارسی زبانان می‌اندیشیده از "مثل" و نام آن آگاه نبوده. اما همینقدر درک می‌کرده است که آن از نوع کلمات و لغات و جملات معمول نیست. قلم برمی‌گیرد و چندتا از آن نوع را یادداشت می‌کند. این نخستین پایه کار و راهی شدن به سوی جمع‌آوری امثال شمرده تواند شد.^۱

اما کار واقعی و بی‌ریزی این تألیف آنگاه آغاز می‌گردد که دهخدا پس از ماهها متواری زیستن در کوههای بختیاری در دوران جنگ جهانی اول و بازگشتن به تهران، و از سیاست و نقد اعمال اجتماع به ادب و نقد سخن روی آوردن، به جمع‌آوری لغات و شواهد منظوم و منثور برای آنها می‌پردازد و به اعتقاد عده‌ای امثال را نیز داخل لغات می‌سازد و کتابهای شعر و نثر مهم فارسی را بدین منظور تحت مطالعه و بررسی خود درمی‌آورد. تا آنگاه که به اشارت مرحوم اعتمادالدوله قره‌گزلو وزیر معارف وقت یادداشتهای امثال را از لغات جدا می‌سازد و نظمی و ترتیبی بدانها می‌دهد و مجموع را به نام "امثال و حکم" مشتمل بر امثال و حکم و اصطلاحات و کلمات قصار و اخبار و احادیث و غیره در چهار مجلد به چاپ می‌رساند.^۲

در جمع کتاب و نیز در تهیه مواد آن آقای دکتر غلامعلی رعدی آدرخشی استاد دانشگاه سهمی و کوششی داشته‌اند و این مطلب از شرحی که مرحوم دهخدا برکنار نخستین صفحه از مجلد اول امثال و حکم که دوره آن را پس از مراجعت همکار دیرینش از اروپا به ایشان اهدا کرده است و حقیقتاً آن بزرگمرد را می‌رساند آشکار می‌گردد.^۳ این همکاری به نوشته آقای دکتر رعدی در فاصله ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۴ ه.ش. صورت گرفته است، در تهیه شواهد و مواد امثال و حکم و جلع آن و نیز تهیه بخش مختصری از شواهد لغتنامه^۴. پس از نشر کتاب که در مجامع ادبی تلقی شد در انجمن ادبی ایران، که در منزل مرحوم افسر برپای می‌شد،

مجلسی به افتخار استاد دهخدا به این مناسبت تشکیل گردید و مرحوم فروزانفر شرحی مشبع در باب شخصیت علامه دهخدا و مزایای دوره امثال و حکم بیان کرد.

گروهی نیز بر کتاب خرده گرفتند که عنوان کتاب "امثال و حکم" است ولی در طی آن اصطلاحات و کنایات و اخبار و احادیث و کلمات دیگری که مثل نیستند وارد شده است. دهخدا بر این خرده‌گیری چنین پاسخ گفته است که: اگر عنوان کتاب "امثال و حکم" و مصطلحات و کنایات و اخبار و احادیث و... "یا نظیر آن انتخاب می‌گردید عنوانی دراز می‌شد و احتراز از آن واجب بود و ازو به‌عنوان مختصر "امثال و حکم" اکتفا رفت. راه دیگر این بوده است که آن اصطلاحات و... حذف شود و طبیعی است که آن حذف پاسخگوی خرده‌گیران می‌توانست باشد. اما محرومیت خوانندگان از فواید آنها جبرانی نمی‌توانست داشته باشد.^۵

آقای دکتر رعدی در مقاله تحت عنوان شعر معاصر ایران، پس از ذکر مقدماتی درخصوص کیفیت گرایش شعر فارسی به بیمایگی در دست عده‌ای خاص می‌نویسد: "دهخدا... از بیم آنکه در عداد مدعیان متظاهر و غرب‌زدگان سرگشته قلمداد نشود و در صف آن مردم بی‌بندوبار و بی‌خبر از وسعت دامنه لغات و قوت ترکیب صحیح کلمات فارسی و از رمز زیباییهای جاودان شاهکارهای آینده جا نگیرد و ظاهراً" بخلاف مهل باطنی و سابقه ادبی خود ناگزیر شد از آن مقدار قدرت پهبشروی و تحرک که در اوائل مشروطیت در مسیر تحول و تنوع به‌حق در زمینه شکل ظاهر و قالب شعر و ترویج نثر ادبی و عامیانه و فکاهی به زبان توده مردم از خود نشان داده و گویندگان و نویسندگان باذوق و قریحه از قبیل محمدتقی بهار و حسین سمعی (ادیب السلطنه) و عشقی و رشید یاسمی و یوسف اعتصام‌الملک و محمدعلی جمالزاده و ابراهیم ناهید و امثال آنها را تا حدی به‌دنبال خود کشانده بود، در بقیه دوره حیات خود چشم ببوشد و عقب‌نشینی کند و برخلاف آنچه ازو انتظار و توقع می‌رفت گاهی در مورد تعریف بعضی از امثال و حکم و پاره‌ای از لغات فارسی نثری متلکفانه به

سیک ابوالفضل بیهقی دبیر... بنویسد" ۶.

نگارنده در باره^۶ صحت اطلاق عقب نشینی یا عدم صحت آن بر آثار اخیر دهخدا در مقدمه^۶ آثار منظوم و منشور آن مرحوم که جداگانه نشر می‌کند سخنی دارد. اما آنچه اینجا از نوشته^۶ استاد رعدی مورد تأیید است و متناسب این مقام همین تکلف برخی شرحهاست بر افعال که با آنکه از تناسبی با مورد خالی نیست، اما اگر باز نویسی می‌شد یا بشود با حفظ همان تناسب و لزوم فشردگی کلام قطعا^۶ ساده‌تر و گاه رساتر از کار برمی‌آید.

گفتم کتاب امثال و حکم مقدمه ندارد زیرا مرحوم دهخدا در باب مقدمه^۶ کتابهای خود احتیاطی عجیب مقرون به وسواس داشت. مرحوم دکتر معین در مقدمه^۶ لغتنامه می‌نویسد: "در پاسخ سؤال نگارنده راجع به علت عدم تحریر مقدمه برای امثال و حکم اظهار داشت: در زبان فرانسوی هفده لغت پیدا کردم که در فرهنگهای عربی و فارسی همه^۶ آنها را "مثل" ترجمه کرده‌اند و در فرهنگهای بزرگ فرانسوی تعریفهایی که برای آنها نوشته‌اند مقنع نیست و نمی‌توان با آن تعریفات آنها را از یکدیگر تمیز داد. ناگزیر توسط یکی از استادان فرانسوی دانشکده^۶ حقوق نامه‌ای به فرهنگستان فرانسه نوشتم و اختلاف دقیق مفهوم آن هفده لغت را خواستار شدم. پاسخی که رسید تکرار مطالبی بود که در لغتنامه‌های فرانسوی آمده بود و بهیچوجه مرا اقناع نکرد. از این رو از نوشتن مقدمه و تعریف مثل و حکمت خودداری کردم و کتاب را بدون مقدمه منتشر ساختم." ۷

هزینه^۶ چاپ نخستین امثال و حکم را وزارت معارف تقبل کرده بود و مقرر داشته بود به پاس خدمات بیست ساله^۶ مؤلف از هر یک از مجلدات چهارگانه، که در هزار نسخه طبع می‌گردید، هشتصد نسخه به عنوان حق التألیف در اختیار ایشان گذارده شود. اما از آنجا که دهخدا برای مزد کار نمی‌کرد و اندک حقوق شغلی که نیاز معاشی او را برمی‌آورد وی را بسنده بود، و از سویی رد احسان اولیای با حسن نیت وزارت معارف را

نمی‌خواست، نیمی از مجلدات دوره کتاب سهمی خود را طی نامه‌ای در اختیار صحیه کل مملکتی (سلف وزارت بهداشتی) قرار داد تا از محل فروش آن به مداوای بیماران بی‌بضاعت بپردازند و نیم دیگر را در اختیار کمیسیون معارف نهاد که از حاصل فروش آن کتابهای مفید چاپ شود. آوردن متن یکی از دو نامه و پاسخ آن خالی از فایده‌ای نیست و گوشه‌ای از نیت خیر این بزرگمرد آزاده دوران پیش‌مردم دوست را روشن می‌سازد.

مقام منیع وزارت جلیله معارف دامت شوکته

در ظل عطوفت حضرت ارفع عالی چهار جلد از کتاب امثال وحکم به‌طبع رسید و جلد پنجم هم در تحت طبع است. چنانکه مکرر به‌عرض محترم رسانده بودم در طبع این کتاب که به همت والای بندگان سامی انجام یافت نظر استفاده مالی نداشتم. ولی وزارت جلیله که اجر خدمت را ضایع نمی‌خواهند قرار دادند که از هر هزار جلد هشتصد جلد آن حق طبع بار اول به این بنده داده شود که مجموع سهم بنده در پنج جلد چهارهزار جلد یا هشتصد دوره پنج جلدی می‌شد. البته رد این مکرمت از رسوم حقگزاری دور و از حدود ادب خارج بود. خاصه که طبعی کریم و گرمی عمیم به بذل آن مبادرت فرموده بود و البته اخلاف حقشناس این ادب‌پروری بخصوص نوع آن را... فراموش نمی‌توانند کرد...

اینک برای جمع و تلفیق بین مقصد عالی معارف‌پروری دولت علیه و نیت دیرینه این بنده در عدم استفاده مالی از این خدمت ادبی که قسمتی بزرگ از عمر صرف انجام آن شده است دوهزار جلد آن را به کمیسیون معارف که مرکب از بعضی اجله معاصرین است واگذار کردم که با شرط بقاء اصل، مثل مبالغ دیگری که در آن کمیسیون هست صرف طبع کتب مفیده شود و دوهزار دیگر آن را به صحیه کل مملکتی واگذار کردم که به‌صرف دوا و غذای فقراء ایرانی برسد. بدین ترتیب که در تحت نظارت شخص بندگان عالی و وزرای مالیه هر وقت کتابها به‌فروش رسیده و هر هزار تومانی از آن که در بانک جمع شد دکانی یا ملک دیگری در

آبادترین محله شهر طهران خریداری شده و منافع آن چون صدقه جاریه برای مقصود مزبور صرف شود. شخص حضرت مستطاب عالی بموجب همین ذریعه با وزیر مالیه هروقت هر ملکی را که خریداری شد برای صرف دوا و غذای فقراى مسلمین وقف مؤبد شرعى خواهید فرمود و آن وقف از جانب این بنده صحیح و شرعى است.

۱۴ آبان ماه ۱۳۱۱ شمسی مطابق ۴ رجب ۱۳۵۱ قمری هجری

علی اکبر دهخدا

نسخه دیگری هم از این به صحیه کل ملکتی ارسال داشتیم و متعین سوادى از این ذریعه را به مالیه ارسال فرمائید و کتب را هم به هر جا که باید تحویل شود مقرر فرمائید به مرور تحویل دهم، به تاریخ فوق

علی اکبر دهخدا

نامه‌ای هم با همین مضمون در تاریخ دوشنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۱۱ شمسی به کمیسیون معارف فرستاده‌اند که از درج آن خودداری می‌شود. اما پاسخ کمیسیون معارف بدان نامه چنین است:

بتاریخ یازدهم آبانمان ۱۳۱۱

خدمت جناب مستطاب اجل آقای میرزا علی اکبرخان دهخدا

دام اقباله‌العالی

محترماً زحمت می‌دهد که مرقومه حضرت عالی راجع به واگذاری قیمت حاصله از فروش کتاب امثال و حکم به کمیسیون معارف برای صرف در راه کتب مفیده زیب و وصول بخشید و عین آن در کمیسیون قرائت گردید. تمام آقایان اعضاء کمیسیون که حضور داشتند از این حسن نیت و بلند همتی حضرت عالی مسرور و به اتفاق رأی دادند که این جانب مراتب تشکر و امتنان کمیسیون معارف را از این اقدام خیرخواهانه به حضرت عالی اظهار دارد. ضمناً خاطر شریف را مستحضر می‌سازد بطوریکه خواسته‌اید کمیسیون موافقت دارد در انتخاب کتبی که از وجود حاصله از فروش کتاب امثال و حکم باید به طبع برسد نظر حضرت عالی را شرط قرار دهد. از طرف کمیسیون معارف. محمد (۸)

در باره^۴ تحریر مواد و پاکنویس و چاپ شدن امثال و حکم و مقدمه^۴ آن چند نکته^۴ گفتنی دارم که از تازگی خالی نیست .

همانطور که اشاره شد به نوشته^۴ مرحوم دکتر همین یادداشتهای امثال و حکم را از یادداشتهای لغتنامه بیرون کشیده‌اند ، اما ظاهراً^۴ امثال و حکم خود از آغاز یادداشتهای مستقلی داشته است که قسمتی ناچیز از آنها به‌جای مانده است و به‌خط خود دهخداست و نوع و قطع و کیفیت تحریر آنها با یادداشتهای لغتنامه یکسان نیست و نشان می‌دهد همانطور که خود دهخدا در ضمن یادداشتهای که برای مقدمه^۴ امثال و حکم کرده است ، به‌منظور استخراج امثال و حکم و دیگر مطالب آن کتاب آثار منظوم و منثور فارسی را می‌خوانده و آنچه به‌نظرش مفید و مطلوب می‌آمده است گاه بر صفحه^۴ جداگانه و گاه تعدادی را روی صفحه^۴ واحد ضبط می‌کرده است . در حالی که لغتنامه برای هر لغت برگه یا پیش‌با یادداشت علیحده دارد ، و سپس آن یادداشتهای را به دستگیری آقای دکتر رعدی تکمیل و تنظیم کرده و به‌خط خویش پاکنویس نموده است و قسمتی از آن اوراق پاکنویس شده نیز برجای است . پس بهتر خواهد بود اگر بگوییم که قسمتی از یادداشتهای امثال و حکم داخل لغتنامه شده است .

یادداشتهای بازمانده جز از اوراق پاکنویس شده^۴ مطالب امثال و حکم که قطعا^۴ قسمتی از آنها در حوادث سال ۱۳۳۲ و بعد و نیز پس از مرگ آن مرحوم در سال ۱۳۳۴ از میان رفته یا به مصلحت از بین برده‌اند ، انبوه نیست ، اما مفید است . زیرا از آن جمله برگه‌هایی است که بر صدر آنها نوشته شده است "راجع به مقدمه^۴" و این چنین برگه‌ها متعلق به هر دو کتاب دهخداست . یعنی بخشی مربوط به لغتنامه است و بخشی مربوط به امثال و حکم و نگارنده این دو بخش را از یکدیگر تفکیک کرده و به‌مطالب آن نظمی داده است و از میان^۴ آنچه مربوط به امثال و حکم است نشان می‌دهد که دهخدا با یادداشت کردن آن مواد یا استخراج مواد یادداشت شده از کتابهایی که در باره^۴ مثل و تشبیه و کنایه و غیره به فارسی یا عربی مطالبی داشته‌اند ، قصد داشته است که مقدمه‌ای مستند به آن

مطالب و مستنبطات و مطالعات خود و تعریقاتی که دیگران در این باره کرده‌اند مقدمه‌ای بر کتاب خود بنویسد.

بنابراین مسلم است که دهخدا قصد تحریر مقدمه داشته و مانند لغتنامه طی تهیه مواد کتاب، مطالبی هم برای مقدمه تهیه دیده است. اما شاید آن احتیاط شدید مورد اشاره مرحوم دکتر معین از یک سو و نقص تعاریفی که برای مثل یافته است و مسائلی دیگر سبب شده است که از تدوین یادداشتها و به صورت مقدمه بر کتاب خود افزودن آنها چشم پوشد.

اینجا نکته گفتنی دیگر دارم و آن اینکه در متن نامه‌های دهخدا به عنوان وزارت معارف و کمسیون معارف دیدیم که دوره امثال و حکم مشتمل بر پنج مجلد ذکر شده است و تصریح گردیده که مجلد پنجم زیر چاپ است. در حالیکه چهار مجلد چاپ شده حاصر کامل است و امثال از حرف "الف" تا "ی" را دربر دارد. از این رو می‌توان پنداشت که آن مجلد پنجم هم بر فواعت امثال که طی سالیانی که مجلدات چهارگانه طبع می‌شده بر مؤلف معلوم گشته است مشتمل بوده و صورت ذیلی بر مجلدات چهارگانه داشته است و هم بر مقدمه کتاب که برای آن یادداشت‌های بسیار فراهم آمده بود و بخشی از آنها هم اکنون موجود است. اما نگارنده بر این گمان اخیر تکیه قطعی نمی‌کند.

نقل همه یادداشت‌های دهخدا که برای مقدمه امثال و حکم و نیز بیان اهمیت این رشته مخصوص از ادب تحریر کرده از حوصله این مقاله بیرون است از این روی پس از طبقه‌بندی یادداشت‌های موجود یادآور مطالبی می‌شوم که در آنها آمده است:

۱ - کیفیت کار و تهیه مواد - دهخدا می‌نویسد مانند میدانی امثال را جمع‌آوری و از افواه گرد کرده است و آنچه شاعران و نویسندگان فارسی بدانها تمثل جسته‌اند استخراج نموده و چون قصد آوردن امثال عربی ضبط شده را در ردیف عناوین امثال نداشته، لذا آنها را در ضمن نظایر و شواهد جای داده است و مرادش از آوردن امثله متعدد برای یک مثل آن بوده است که همه اقسام استعمال آن را شاعران و نویسندگان ببینند

و متذکر است که چون در خواندن آثار منظوم و منثور فارسی ابتدا دایره عمل را تنگ گرفته بوده و نیز طول مطالعه او را با مثل و اقسام آن بیشتر آشنائی می‌داده است لذا در مقام توصیه می‌نویسد: "کسی که پس از من بخواهد این کار را به کمال برساند باید همه این کتابهایی را که من خوانده‌ام بعلاوه کتبی که از من فوت شده است بخواند".

۲- از کتابها مطالبی را که مستقیماً به مثل و حکمت و عوامل سازنده آن مربوط است استخراج کرده است تا پایه و مستند مطالب مقدمه قرار دهد.

۳- تعریف و تقسیم - دهخدا نظم و نثر سایر را به دونوع تقسیم می‌کند: مثل و حکمت. آنگاه به تعریف این دو می‌پردازد و بر هر کدام مثالها می‌آورد.

۴- در تقسیم مطالب "امثال و حکم" یکجا آنها را به: سیاسی، اخلاقی، روان، مشهور، نازل منزله حکم و صرف عبارات کوتاه بخش می‌کند و جای دیگر آنها را چهار قسم می‌سازد: مثل، حکمت، حکم، زبانزد.

۵- دلیل وارد ساختن اخبار و احادیث و قواعد فقهی و قواعدی در علوم و فنون و غیره را در ردیف امثال و حکم ترتیب متداول در دنیا ذکر می‌کند، ولی گوید چون تاکنون کسی به این نوع جمع‌آوری نپرداخته است برخی شاید از آمدن آنها در امثال تعجب کنند و حال آنکه جای تعجب نیست.

۶- در فوائد مثل نیز مطالبی دارد از جمله آنکه مثل حکمت توده است، یعنی آنقدر که عامه به ایجاد آن می‌کوشند اهل ادب از شعر و نثر در آن سعی ندارند. از این رو در هر ملیت که امثال بیشتر است نشانه سعادت فکر عوام آن ملت می‌باشد. و می‌افزاید چون مثل در سینه‌ها می‌ماند از آن روی مقاومت یا مخالفت‌های سخت دارد و نتیجه می‌گیرد که با همه تغییرات بنیان‌کن حوادث، هیچ دشمن خانه‌براندازی نتوانسته است این رشته مخصوص ادب و این منبع مخصوص تاریخ و این قسم از اقسام

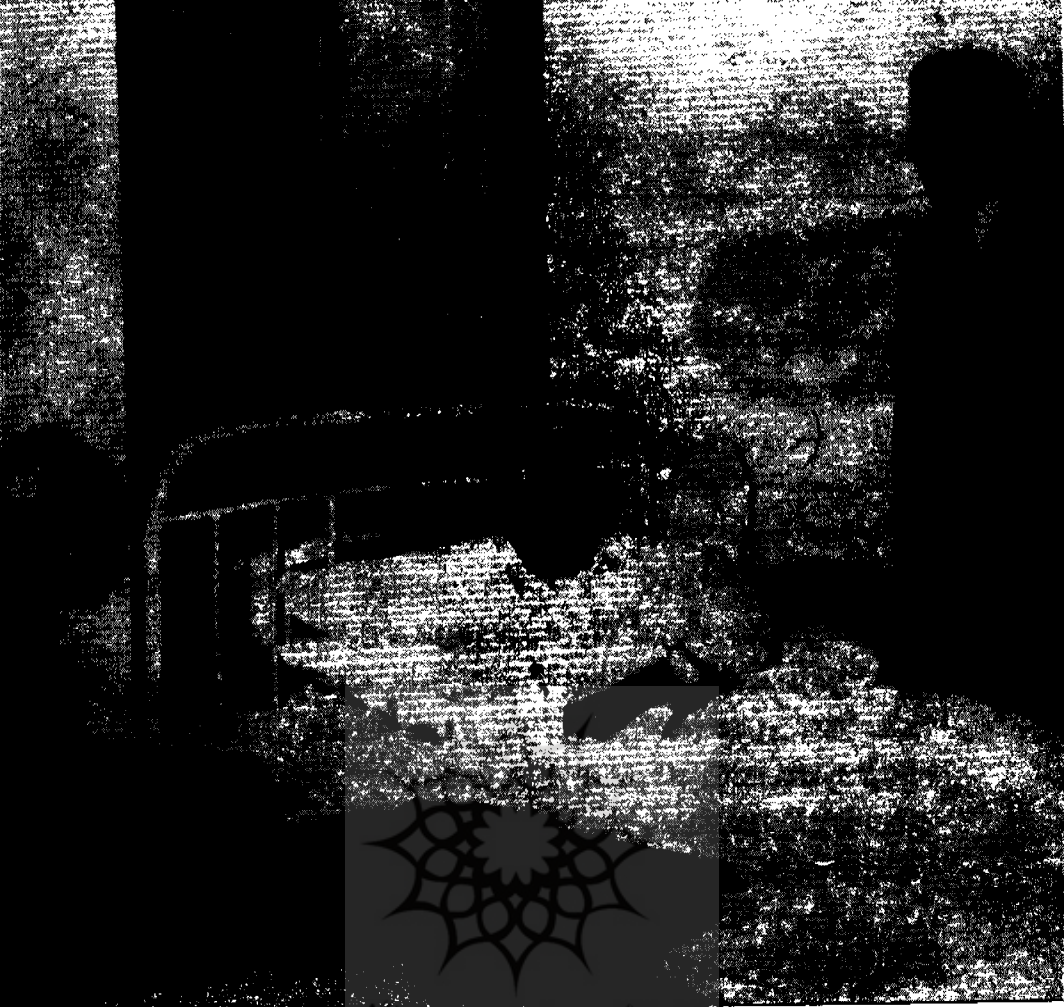
بیست و چهارگانه^۶ ادب را که پدران ما بدان اهمیت بسیار می‌داده‌اند از میان بردارد. آخرین سخن دهخدا که کلام را بدان حسن ختام می‌بخشم این است که:

لطفات عظیم نتواند بود، کتاب امثال لطفات عظیم است.

زیرنویس‌ها

- ۱- از مقدمه لغتنامه ص ۳۸۰ و ۳۸۱
- ۲- از مقدمه لغتنامه ص ۳۸۰
- ۳- شرحی که دهخدا مرقوم داشته چنین است: "دوست عزیزم آقای دکتر رعدی اگر بگویم اقلاً یک رنج این کتاب را بی هیچ عوض و تنهایی برای عشق و ادب و محبت به من شما تحمل کرده‌اید هیچ مبالغه نکرده‌ام و اینکه که برسم یادگار این دوره را به کتابخانه شما تقدیم می‌کنم قسمتی از بضاعت شماست که به خدمتتان رد می‌شود. توفیق شمارا به همه^۷ نیات نیک در دوره^۸ حیات از خداوند خیر و نیکو خواستارم. اسفند ۱۳۲۱ دوستدار شما علی‌اکبر دهخدا.
- ۴- مجله^۹ یغما سال ۲۲ شماره ۱ ص ۱۴
- ۵- از مقدمه^{۱۰} لغتنامه ص ۳۸۰
- ۶- مجله^{۱۱} یغما سال ۲۲ شماره ۱ ص ۱۳
- ۷- از مقدمه^{۱۲} لغتنامه ص ۳۸۰ و ۳۸۱
- ۸- در میان اعضاء اصلی و اولی کمسیون معارف دو تن نام محمد داشته‌اند: دکتر محمد مصدق و سید محمد تدین. اعضاء از تدین است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ژوئرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دهخدا در یکی از ملاقاتها با مصدق
(ایستاده نصره الله آمینی است)